

نقد و بررسی کتاب تحلیل سوژه در ادبیات داستانی پسامدرن ایران
تألیف فرزاد کریمی، ناشر: روزنه ۱۳۹۷. ۳۳۵ صفحه.

قدسیه رضوانیان^۱

۱. ارزیابی شکلی:

کتاب تحلیل سوژه در ادبیات داستانی پسامدرن ایران، نوشته فرزاد کریمی، چاپ اول، ۱۳۹۷ انتشارات روزنه است که در ۳۳۵ صفحه تدوین شده است. کتاب، در قطع رقعی و جلد شومیز به چاپ رسیده که کیفیت جلد و پس از آن، کیفیت نازل نوع کاغذ و فونت نامناسب و مهم تر از همه، صحافی سهل انگارانه فاقد انسجام - که از آغاز تا پایان با ورق ورق شدن، تمرکز خواننده را برهم می زند - شکل صوری کتاب را ناخوشایند می سازد. شاید طرح بسیار درشت روی جلد با ترکیب رنگ خاکستری سیاه خردلی و عنوان درشت کتاب و نام نویسنده به صورت عمودی بر کتابی با قطع رقعی، کتاب را از نظر صوری فاقد بینش و سلیقه فکری - هنری سازد.

طرح روی جلد، بیشتر بر حضور قاطع و نگاه خاص انسان دلالت دارد که ویژگی سوژه مدرن است تا فروپاشیدگی و عدم قطعیت سوژه پست مدرن که بحث محوری این کتاب است. رنگ آمیزی سیاه و سفید چهره روی جلد نیز بیشتر تقابل را تداعی می کند تا جزئیات و ذهنیت های ناهمگون متناسب با سوژه پست مدرن را. این سهل انگاری در شناسه کتاب نیز دیده می شود: **Histor and Criticism**

۲. ساختار

کتاب شامل دیباچه، پیش گفتار، سه بخش و هر بخش دربردارنده چند فصل است که به دلیل زیرفصل های فراوان، از شماره گذاری عنوان ها پرهیز شده است. در دیباچه اشاره شده است که کتاب حاضر، رساله دکتری نویسنده بوده البته با تغییرات بسیار، از همین رو به سیاق رساله نویسی، بخش نخست کتاب - یک سوم حجم کتاب - تحت عنوان «کلیات»، به روش پژوهش، مبانی نظری و پیشینه انتقادی اختصاص یافته است. ترکیب این سه مورد سبب شده است که از سویی تفاوت روش و نظریه به درستی روشن نباشد و از دیگر سو بین مبانی نظری و پیشینه انتقادی تفکیکی صورت نگرفته باشد؛ به ویژه انتقادی که به سه اثر از پاینده، تسلیمی و تدینی صورت گرفته، در بخش سوم نیز فصلی جداگانه بدان

^۱ دانشیار دانشگاه مازندران .

اختصاص یافته و سبب اطناب غیر ضروری شده است، اما پیش از آن ذیل «پیش‌گفتار»، به دو موضوع بحران ادبی: تولید ادبی و نقد ادبی پرداخته شده است.

بخش دوم «سوژه در ادبیات داستانی پسامدرن ایران»؛ شامل پنج فصل و در هر فصل، تحلیل یک داستان پست مدرن بر اساس یکی از عناصر غالب گفتمان پست مدرن صورت گرفته است؛ بخش سوم با عنوان «فرجام» شامل چهار فصل است که مقدمه نظری هم دارد: در فصل اول به زیست جهان سوژه می‌پردازد؛ در فصل دوم با عنوان «سرآغاز داستان پسامدرن ایران»، به بررسی آثار کاظم تینا تهرانی می‌پردازد که روشن نیست چرا در بخش دوم نیامده است؛ فصل سوم این بخش، در واقع نقد نقد است که سه اثر *نقد داستان پست مدرن* از حسین پاینده، علی تسلیمی و منصوره تدینی را نقد می‌کند. این بررسی در مورد *داستان‌های کوتاه پست مدرن* اثر حسین پاینده، به تفصیل و در مورد *گزاره‌هایی در ادبیات معاصر؛ داستان، اثر علی تسلیمی*، کوتاه‌تر و در مورد *پسامدرنیسم در ادبیات داستانی ایران*، نوشته منصوره تدینی کاملاً مختصر صورت می‌گیرد. در نهایت، نویسنده کتاب مدعی است که «برقراری تناظر میان نظریه‌های فلسفی معاصر و متون ادبیات داستانی، برای اولین بار به شکل کنونی در این کتاب انجام یافته است» (کریمی، ۱۳۹۷: ۲۸۶).

از ویژگی‌های مثبت دیگر این کتاب در صفحه ۲۹۰، ارائه چند پیشنهاد پژوهشی حاصل از این پژوهش است و نیز منابع گسترده فارسی و انگلیسی که مورد استفاده نویسنده قرار گرفته و به‌ویژه منابع مفصلی که برای مطالعه بیشتر در این مورد ارائه شده است. در پایان، بخشی هم به واژگان و اصطلاحات به دو زبان فارسی و انگلیسی ارائه شده که چندان پاسخ‌گوی نیازهای خواننده در فهم اصطلاحات این کتاب نیست، اما در مجموع به روش‌مندی کتاب کمک کرده است.

کتاب به دلیل احتوای آن بر واژگان و اصطلاحات فلسفی و بعضاً ساختار کلامی دشوار، برای مخاطب عام نگارش نیافته و از نوع متون درسی هم نیست، اما از آنجاکه به مسئله‌ای مهم در فهم و نقد ادبیات پست مدرن تمرکز کرده است، اثری قابل اعتناست.

چنان‌که اشاره شد، کتاب، شامل زیرفصل‌های فراوان است که دو کارکرد متفاوت و چه بسا متعارض دارند: درعین حال که بیانگر دقت بحث هستند، تراکم بسیار زیادشان، گیج‌کننده و سبب اطناب متن شده است؛ به‌ویژه که تمام این فصول حاوی مطالب تکرارشونده نیز هستند، اما پیوند تنگاتنگ عنوان‌ها که یکی به منزله تمهیدی برای عنوان پسین است، شاید وجه ممتاز شکلی این کتاب باشد.

برخی دیگر از ابهامات متن به قرار زیر است:

- استفاده از واژگان یا اصطلاحات متفاوت، اما هم معنا که شائبه تفاوت معنایی برای خواننده ایجاد می‌کند: مانند «پست-

مدرن/پسامدرن»؛ «بینادهنی/میان‌ذهنی/بین‌الادھانی»؛ «سوبژکتیو/ذهنی»؛ «ابژکتیو/عینی»؛

- کاربرد اصطلاحات دشوار؛ مانند «غیر بینا سوبژکتیویته» (کریمی، ۱۳۹۷: ۷۱)؛

- عدم تعریف اصطلاحاتی که نقش کلید واژه دارند در آغاز بحث؛ مثل «من»، «ایگو» و «خود» در صفحه ۹۹ که آغاز بحث در این موارد است؛
- تمایز بین «نشانه» و «رمزگان» در صفحه ۱۴۶، اما در ادامه، ذیل «بحران رمزگان»، به «بحران نشانه» پرداخته شده است؛
- اصطلاحات غلط انداز؛ مانند «خودآگاهی» که پیش از این، چه در فلسفه، چه در روانشناسی، اصطلاحی با بار معنایی مثبت بوده و بر شناخت انسان از خویش دلالت داشته است، در این کتاب، در معنایی فروکاهنده تعبیر شده است: «آگاهی ای درونی و منفرد شده که قابل اجماع و تبدیل شدن به آگاهی نیست» و در واقع اصطلاحی است مقابل آگاهی، که گاه نیز به معنی از خودبیگانگی است و معادل انگلیسی آن نیز داده نشده است؛
- نویسنده جایی در صفحه هشتاد کتاب، مطلبی را با توجه به نظریه فوکونیه و ترنر مطرح می کند، حال آنکه پیش تر فقط نام فوکونیه در نقل قول یک سطر آمده که نشانی از نظریه ندارد؛ گویی نویسنده به چیزی در خلاء ارجاع می دهد؛
- عبارات و جملات مبهم؛ مثل: «عدم فروروی فضاهاى ذهنی در داستان پسامدرن در کنار نیاز به تعامل با دیگری برای شکل دهی به یک گفتمان پارادوکسی است که در این فصل سعی بر تبیین آن بوده» (کریمی، ۱۳۹۷: ۹۹)؛
- یا ترجمه مبهم در صفحه ۱۷۹: «هر چیزی که واقعیت آنی فقدان را بر احساس کسی از وجود کاملش (یکی بودن با خودش) تخیل می کند، خود ادراک را قطع می نماید» (Ragland: 1995)؛
- بحث سطح باز نمود ذهنی در فضاهاى داستانی صفحه هشتاد، بحثی پیچیده با اصطلاحات فلسفی که بعضاً از پدیدارشناسی اخذ شده و بیش از آنکه تفسیری روشنگر باشد، خود نیاز به تفسیر دارد؛
- بحث «تاریخ گرایی جدید»، که نویسنده آن را به اجمال، تداخل تاریخی حال و آینده و احضار تاریخ به زمان حال تعبیر کرده، بسیار کلی و غیر شفاف است (همان: ۲۵۴)؛
- در صفحه ۲۵۶ از دو مفهوم «انفجار درون ریز» و «فوق واقعیت»، هیچ تعریفی ارائه نشده اما کریمی، نویسنده کتاب *داستان کوتاه در ایران (داستان های پسامدرن)* را مورد انتقاد قرار داده که این دو را نابه جا استفاده کرده است.

۳. ارزیابی محتوایی:

کتاب حاضر، با مسئله ای روشن، یکی از محوری ترین مؤلفه های ممیز پارادایم های گوناگون ادبی؛ یعنی «سوژه» را مورد بحث انتقادی خویش قرار داده است که پیش از این، گرچه ممکن است در مقالات یا کتاب هایی که در مورد ادبیات پست مدرن نگاشته شده، با اشاره و گذری سطحی بدان پرداخته شده باشد، با چنین رویکرد تعیین کننده ای هرگز مورد توجه قرار نگرفته بوده است.

او بر خلاف بسیاری از آثار نقد پست‌مدرنیستی که به شگردهای روایی پست مدرن بسنده کرده‌اند، با رویکردی فلسفی- ادبی به سراغ یک عنصر شناختی در داستان پست مدرن رفته و ضمن بیان تفاوت آن با سوژه در ادبیات کلاسیک و به‌ویژه، ادبیات مدرن، آن را مهم‌ترین آسیب‌جای نقد رویکرد پست‌مدرن در ادبیات ایران دانسته و به دو نوع «نقد پست-مدرن تصنعی» و «نقد پست مدرن فلسفی» قائل شده است که می‌تواند هم در فهم داستان پست‌مدرن و هم نقد این متون، نقشی مؤثر داشته باشد. اتکای تحلیل‌ها به پدیدارشناسی کلاسیک و پدیدارشناسی هرمنوتیک، به عنوان مبانی نظری این پژوهش نیز بیانگر دقت نظر نویسنده و فهم درست و دقیق فلسفه پست‌مدرنیسم است.

بحث نخست ذیل «پیش‌گفتار»، بحثی مبهم و بلا تکلیف است؛ یعنی نویسنده که در نهایت به بحران تولید ادبی قائل نیست، همچنان بحث برآمدن شاعر شاخصی چون حافظ با گذر زمان را مطرح می‌کند که به نظر می‌رسد با بحث پیشین نویسنده و فلسفه خرده روایت‌های فلسفه مدرن در تعارض است.

در مبانی نظری، نویسنده خود را ناگزیر دیده است که برای تعریف و تحلیل سوژه پست مدرن، به تحلیل و تبیین سوژه مدرن، هم به عنوان بحث پیشینی و هم به موازات بحث اصلی و در مقایسه با سوژه پست‌مدرن بپردازد، بنابراین تحلیل سوژه مدرن نیز همپای سوژه پست مدرن در این کتاب پیش می‌رود؛ زیرا وی در صدد اثبات این نکته است که بسیاری از آثاری که در ادبیات داستانی، چه نویسندگان و چه منتقدان، آنها را پست مدرن تلقی کرده‌اند، با توجه به مشخصات سوژه پست مدرن و غیاب آن در این آثار، در جرگه داستان مدرن قرار می‌گیرند در نتیجه، فهم حاصل از قیاس، برای خواننده دستاوردی توأمان دارد که درک سوژه مدرن را نیز حاصل می‌آورد.

بخش دوم کتاب، به نقد عملی پنج اثری اختصاص دارد که نویسنده آنها را با توجه رویکرد وجودشناسی به جای ماهیت‌گرا، سوژه شکل نگرفته، نبود سوژکتیویته و البته دیگر شاخصه‌های پست‌مدرن، به طور قطع داستان پست‌مدرن تلقی می‌کند، اما در بخش سوم کتاب و فصل «نگاهی انتقادی به سه اثر بر چند اثر از ادبیات داستانی ایران»، با توجه به ویژگی‌هایی که در بخش‌ها و فصول پیشین از فلسفه و اثر پست‌مدرن و تفاوت آن با فلسفه و اثر مدرن بیان شده است، ثابت می‌شود که جز موارد اندک، آثاری که در این سه کتاب، داستان پست‌مدرن تلقی شده‌اند، تنها از شگردهای روایت-پردازی پست‌مدرن بهره برده‌اند و از مبانی اندیشگانی فلسفه پست‌مدرن بهره‌ای ندارند، بلکه بیشتر متعلق به ادبیات مدرن هستند و برخی نیز پست‌مدرن تصنعی‌اند که «در انتخاب آن‌ها صرفاً شگردهای روایی پست‌مدرنیسم لحاظ شده و موقعیت‌های انسانی در آن‌ها موقعیتی پست‌مدرن نیست» (کریمی، ۱۳۹۷: ۲۲۲). چنان‌که در نهایت، خواننده به این نتیجه می‌رسد که داستان پست‌مدرن بحث‌های پایانی کتاب، تحت عنوان «هویت انسان ایرانی در داستان پست مدرن و انسان ایرانی امروز در آینه داستان پست مدرن»، در درون خود مغلطه‌گونه‌ای دارد. از آنجاکه بخش قابل توجه از داستان‌های پست‌مدرن انگاشته، از نظر نویسنده این کتاب - البته با استدلال پذیرفتنی - داستان پست‌مدرن نیستند و آنچه می‌ماند انگشت‌شمار است، آیا می‌توان بر اساس این انگشت‌شماران، تحلیل و تصویری را که نویسنده از انسان ایرانی امروز ارائه می‌دهد، قابل اعتماد و اعتبار دانست؟